

فضل ائمة اربعة

اهل سنت
رضي الله عنهم

نويسنده:

جلال الدين عباسی

عنوان کتاب: فضل ائمهٔ اربعهٔ اهل سنت
نویسنده: جلال الدین عباسی
موضوع: علما و اسلام شناسان
نوبت انتشار: اول (دیجیتال)
تاریخ انتشار: اسفند (حوت) ۱۳۹۴ شمسی جمادی الاول ۱۴۳۷ هجری
منبع:



این کتاب از سایت کتابخانهٔ عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

ایمیل:

سایت‌های مجموعهٔ موحدین

www.aqeedeh.com

www.mowahedin.com

www.islamtxt.com

www.videofarsi.com

www.shabnam.cc

www.zekr.tv

www.sadaislam.com

www.mowahed.com



contact@mowahedin.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

- ۱ مقدمه
- ۳ امام فقهاء أبو حنیفه نعمان رضی اللہ عنہ
- ۳ اسم و نسب امام ابوحنیفه
- ۳ دوران تحصیلی امام ابوحنیفه
- ۴ روش امام ابوحنیفه در برخورد با مسائل اجتهادی
- ۷ امام دارالهجره مالک بن انس رضی اللہ عنہ
- ۷ نسب و محل تولد امام مالک رضی اللہ عنہ
- ۷ دوران تحصیلی امام مالک و کوشش وی در یادگیری
- ۸ شدت حفظ امام مالک رضی اللہ عنہ
- ۸ تحقیق و بررسی امام درباره راویان حدیث و علماء
- ۹ شاگردان امام مالک رضی اللہ عنہ
- ۹ پیروی امام از سنت پیامبر و مخالفت کردن با بدعه
- ۱۱ هیبت و وقار امام مالک
- ۱۲ اقوال علماء در مورد امام مالک
- ۱۳ گهرهایی از سخنان و حکمت‌های امام مالک
- ۱۴ کتاب موطاً امام مالک و موقعیت علمی آن
- ۱۴ سبب تألیف موطاً
- ۱۴ علت نامگذاری

- وفات امام مالک رحمته ۱۵
- فقيه بزرگ سنت محمد بن ادریس شافعی رحمته ۱۷**
- اسم و نسب امام شافعی ۱۷
- محل تولد و زندگی امام ۱۷
- دوران تحصیلی امام ۱۷
- فهم و حفظ امام شافعی و اهتمام او به حدیث و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله ۱۸
- پیروی از حدیث و مخالفت با مذهب اهل کلام ۱۹
- پیروی امام شافعی از سنت رسول الله صلی الله علیه و آله ۲۱
- أقوال علماء درباره امام شافعی ۲۳
- از اقوال و حکمت‌های شافعی ۲۴
- کلماتی درباره علم ۲۴
- وفات امام شافعی رحمته ۲۵
- امام اهل سنت احمد بن حنبل رحمته ۲۷**
- نسب امام احمد ۲۷
- محل تولد و زندگی امام احمد ۲۷
- تقوی و زهد و بی‌آلایش امام احمد ۲۸
- پیروی امام احمد از سنت رسول الله و احترام به اهل حدیث ۲۹
- امام احمد و فتنه خلقت قرآن ۳۰
- اقوال علماء درباره امام احمد ۳۳
- وفات امام احمد بن حنبل ۳۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إن الحمد لله نحمده، ونستعينه ونستغفره، ونعوذ بالله من شرور أنفسنا،
ومن سيئات أعمالنا، من يهده الله فلا مضل له، ومن يضلل الله فلا هادي له، وأشهد
أن لا إله إلا الله وأشهد أن محمداً عبده ورسوله - صلى الله عليه وعلى آله وصحبه
أجمعين -.

مقدمه

سخن از ائمهٔ اربعه سخن از سلف صالح است^۱ زیرا ائمهٔ اربعه از بزرگان سلف
صالح و از امامان قرن‌هایی هستند که رسول‌الله ﷺ آن را مورد تعریف و مدح قرار
داده و توانسته‌اند بعد از توفیق خداوند، بر اثر کوشش و اجتهاد و تأثیر گذاشتن بر فقه
اسلامی، این دین را حفظ نمودند و کسانی هم که بعد از اینها آمده، محتاج کوشش
و اجتهاد آنها در فقه بوده و از دریای علوم آنها استفاده کرده‌اند. بدون شک ائمهٔ اربعه
-رحمة الله عليهم-، قلعه‌های رفیع و استواری در علم و عبادت و زهد و تقوی و
اخلاق نیکو بوده‌اند، با این حال در این چند صفحه خلاصه‌ای از زندگی شخصی و
فضل و علم و سخنان گهربار آنها که به عنوان پند و نصیحت بر جای مانده است
بیان می‌کنیم. و اگر بخواهیم به‌طور کامل دربارهٔ آنها سخن بگوییم به علت فضائل

۱- منظور از سلف: صحابه و تابعین و امامانی هستند که در سه قرن‌ی که رسول‌الله ﷺ از آن به
خوبی یاد کرده‌اند زندگی می‌کرده‌اند، رسول‌الله ﷺ می‌فرماید: «بهترین قرن‌ها قرن‌ی است که
من در آن زندگی می‌کنم سپس کسانی که بعد از قرن من می‌آیند پس کسانی که بعد از این قرن
می‌آیند».

زیاد سخن طولانی می‌شود و بعضی از نویسندگان زندگی هر امامی را جداگانه به رشته تحریر درآورده و کسانی که مشتاق معلومات بیشتر می‌باشند می‌توانند به آن کتاب‌ها مراجعه کنند.

هدف ما از بیان زندگی ائمه اربعه تنها این است که مسلمانان آنها را شناخته و در پیروی از قرآن و سنت رسول الله ﷺ به این ائمه بزرگوار اقتدا کنند زیرا تنها با پیروی از قرآن و سنت است که امت اسلامی راه راست را شناخته و عزت و بزرگی را خواهد دید.

مالک و حاکم حدیثی را از پیامبر ﷺ روایت می‌کنند که می‌فرمایند: «در میان شما دو چیز را بجای می‌گذارم که در صورت پیروی از این دو هیچ‌وقت گمراه نخواهید شد، کتاب الله و سنت من، و این دو به هیچ‌عنوان ازهم جدا نمی‌شوند تا اینکه در سر حوض در صحرای محشر به نزد من بیایند»^۱. از خداوند خواستاریم که امت اسلامی را متحد کرده و آنها را به خیر و صلاح دین و دنیایشان هدایت فرمایند.

۱- منظور حدیث این است که قرآن و سنت رسول الله ﷺ تا روز قیامت باهم بوده و قابل جدا شدن از همدیگر نمی‌باشند و هیچ قانونی بدون قرآن و سنت یا با یکی از این دو قابل قبول نیست و این حدیث ردی است بر کسانی که فقط قرآن را مرجع خود قرار می‌دهند و از سنت رسول الله ﷺ که توضیح‌دهنده بسیاری از آیات می‌باشد رویگردانی کرده و در عوض از هوی و هوس و شیطان پیروی می‌کنند. در این کتاب خواهیم دید که این ائمه‌ی بزرگوار چقدر تأکید بر پیروی از سنت رسول الله ﷺ و رسانیدن آن به نسل‌های بعدی داشته‌اند سخن خود را مقابل سخن رسول الله ﷺ بی‌ارزش می‌دانستند زیرا رسول الله ﷺ همانطور که خداوند در سوره والنجم می‌فرماید: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۗ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۗ﴾ [النجم: ۳-۴]. «و سخن نمی‌گوید از هوی و هوس، نیست سخنان او مگر از وحی که به او از طرف ما رسانیده می‌شود».

امام فقهاء أبو حنیفه نعمان رضی اللہ عنہ

اسم و نسب امام ابوحنیفه

او: نعمان پسر ثابت پسر مرزبان است و کنیة وی ابوحنیفه می‌باشد، در خانواده‌ای که در بین قومش دارای شرف و احترام بود به دنیا آمد، اصل او از کابل - پایتخت افغانستان امروز - می‌باشد. جدش مرزبان در زمان خلافت طلایی حضرت عمر رضی اللہ عنہ اسلام آورد سپس به کوفه آمده و در آنجا اقامت گزید. امام ابوحنیفه رضی اللہ عنہ در سال ۸۰ هجری در کوفه در زمان خلافت عبدالملک بن مروان بدنیا آمد.

دوران تحصیلی امام ابوحنیفه

وی در خانواده‌ای مسلمان، باتقوی، ثروتمند و سخاوتمند پرورش یافت و چنین به نظر می‌رسد که تنها فرزند پدر و مادرش بوده است. پدرش در کوفه به پارچه‌فروشی اشتغال داشت. امام ابوحنیفه ابتدا به علم اصول دین روی آورد و با کسانی که از راه و عقیده سلف صالح خارج و گمراه شده بودند به مناقشه پرداخت. به همین خاطر ۲۷ مرتبه وارد بصره شده تا اتهامات و شبهاتی که به شریعت اسلام چسبانیده بودند از اسلام دور کند و اسلام حقیقی را برای مردمان بیان کند. با جهم بن صفوان بزرگ گمراهان و با ملحدین و معتزله و خوارج و رافضی‌های تندرو به مناقشه پرداخت و آنها را محکوم کرد.

زُفر که یکی از شاگردان امام ابوحنیفه می‌باشد، سبب روی آوردن امام ابوحنیفه را به فقه از زبان خود امام چنین بیان می‌کند: در علم کلام به درجه‌ای رسیده بودم که زبانزد عام و خاص شده بودم. حلقه درس ما، در نزدیکی حلقه درس حمّادبن ابی سلیمان بود. روزی زنی از من سؤال کرده که مردی می‌خواهد زنش را براساس سنت طلاق دهد او را چند طلاق می‌دهد؟ از او خواستم که از حمّاد سؤال کرده و

مرا در جواب مسأله قرار دهد. حماد به او گفته بود: باید زن از قاعده ماهیانه پاک باشد و شوهرش با او همخوابی نکند پس او را یک طلاق بدهد. بعد از دو حیض دیگر (که در مجموع سه بار قاعده ماهیانه را پشت سر گذاشته است) غسل کرده و می‌تواند شوهر کند. امام ابوحنیفه می‌گویند: بعد از آن علم کلام را رها کرده و به حلقه درس حماد رفته و به خاطر خوب فهمیدن درسهایش و جواب درست دادن مورد احترام حماد قرار گرفتم.

امام ابوحنیفه به افکار و آراء فقهی حماد روی آورده و از شاگردان ممتاز وی شد بدین خاطر حماد او را صدر حلقه درس خود می‌نشانند. رفتار او با استادش حماد هم جای تعجب و تأمل می‌باشد، مثلاً پشت در خانه استادش می‌نشست تا اینکه استادش از خانه خارج شود و از او سؤال کرده و یا احتیاجات او را برآورده کند، و مدت ۱۸ سال بدین‌صورت در مصاحبت استادش بود تا اینکه حماد وفات یافت و شاگردانش، امام ابوحنیفه را به جانشینی حماد انتخاب کردند. امام ابوحنیفه می‌گویند: از زمانی که حماد وفات یافته هر نمازی که می‌گزارم از خداوند طلب مغفرت برای پدرم و حماد می‌کنم و من برای کسی که چیزی از او یاد گرفته و یا چیزی به او یاد داده‌ام طلب مغفرت می‌کنم.

روش امام ابوحنیفه در برخورد با مسائل اجتهادی

امام ابوحنیفه ﷺ روش جدیدی در برخورد با مسائل اجتهادی اتخاذ کردند و آن از طریق به بحث و مناقشه گذاشتن مسأله‌ای در حلقه درس بود. و شاگردانش هر کدام رأی خود را بیان کرده سپس امام ابوحنیفه به تصحیح آراء می‌پرداخت و چه بسا مناقشه مسأله‌ای چندین روز ادامه می‌یافت این بحث علمی آزادی بود که در آن به آراء افراد احترام گذاشته می‌شد و دور از هرگونه تعصب بود و امام ابوحنیفه با اینکه

رأى خود را بیان می‌کرد اما شاگردانش را ملزم به تبعیت از آن نمی‌کرد^۱. رحمت خداوند بر او باد و جای او در بهشت باد.

۱- چه خوب بود الان نیز روش بحث علمی آزاد پیاده می‌شد تا بدین وسیله شخصیت علمی و عقل دانش‌آموزان پرورش یابد.

امام دارالهجره مالک بن انس رضی الله عنه

نسب و محل تولد امام مالک رضی الله عنه

او: ابو عبدالله مالک بن انس بن مالک بن ابی عامر از دی اصبح از قبیله حمیر و مادرش عالیه دختر شریک بن عبدالرحمن ازدی می باشد. در سال ۹۳ هـ ق. بنا بر صحیح ترین اقوال در مدینه الرسول هجرت گاه پیامبر و محل تربیت بهترین نسلی که به دست پیامبر تربیت شده بودند و بشریت آن را شناخته است بدنیا آمد.

دوران تحصیلی امام مالک و کوشش وی در یادگیری

امام مالک رضی الله عنه در موردشان می گویند: برادری داشتم در سن ابی شهاب زهری. روزی پدرم از ما سؤالی کرد که برادرم جواب صحیح داد. پدرم به من گفت: کبوترها تو را از طلب علم بازداشته اند. از این قول پدرم ناراحت شدم و مدت ۷ سال در محضر ابن هرمز به کسب علم مشغول شدم. امام مالک در طلب علم کوشا و جدی بود و خود امام می گویند: در هنگام ظهر در زیر آفتاب که هیچ سایه ای نبود انتظار خارج شدن نافع برده آزادشده عبدالله ابن عمر رضی الله عنه را می کشیدم که انسانی تندخو و خشن بود. پس از اینکه از خانه خارج می شد خود را مشغول کرده مثل اینکه او را ندیده ام پس بر او سلام کرده و هنگام داخل شدن به خانه از او سؤال می کردم که عبدالله بن عمر در این مسأله چه می گوید؟ او جوابم را می داد و سپس در خانه به روی من بسته می شد.

امام مالک جوایای احادیثی بود که ابن شهاب زهری روایت می کرده است. خود امام می گویند: پس از نماز عید با خود گفتم امروز روزی است که ابن شهاب زهری تنها می باشد. در پشت در خانه اش نشستم. صدایش را شنیدم که به کنیزش می گفت: بین چه کسی پشت در نشسته است؟ کنیز گفت: مالک بن انس است.

گفت: او را به داخل بیاور، پس از داخل شدن به خانه گفتم: می بینم به خانه ات نرفته ای؟ گفتم: نه. گفت: آیا چیزی خورده ای؟ گفتم: نه. گفت: پس غذا بخور. گفتم: احتیاجی به غذا ندارم. گفت: پس چه می خواهی؟ گفتم: برایم احادیث روایت کن. گفت: دفترت را بیاور و چهل حدیث را برای من روایت کرد. طلب زیادت کردم گفت: کافی است. اگر تو این چهل حدیث را حفظ کرده ای از جمله حفاظ هستی. گفتم: آیا این احادیث را الان برایت از حفظ تکرار کنم؟ دفتر را از من گرفته و من احادیث را تکرار کردم. گفت: برخیز که تو کیسه علم هستی.

شدت حفظ امام مالک رحمته

امام مالک رحمته می گویند:

یحیی بن سعید می گویند: امام مالک حافظ بودند.

یحیی بن معین می گویند: هیچ کس را حافظ تر از امام مالک و سفیان ثوری برای احادیثی که خود روایت می کنند، ندیده ام.
سفیان ثوری می گویند: مالک از حافظ ترین علمای عصر خود می باشد.

تحقیق و بررسی امام درباره روایان حدیث و علماء

ابن عبدالبر در کتاب «الانتقاء» از امام مالک روایت می کنند که امام مالک می فرمایند:

این علم (حدیث رسول الله ﷺ)، دین است پس بنگرید از چه کسانی دینتان را می گیرید. من از هفتاد نفر از کسانی که حدیث را روایت می کردند، حدیث روایت نکرده ام و این به خاطر این نیست که آنها مورد اعتماد و اطمینان نبوده اند بلکه اگر یکی از آنها مسؤول بیت المال مسلمین کرده شود اصلاً خیانت نمی کند و تنها به خاطر این است که شایسته این علم نیستند ولی ابن شهاب زهری به مدینه آمدند که حتی جلو در خانه اش به علت کثرت مشتاقان حدیث پیامبر ﷺ شلوغ بود.

امام مالک می فرمایند:

از چهار کس علم فرا نگیرید: از نادان و از صاحب بدعتی که مردم را به بدعت خود دعوت می کند و از دروغگو اگرچه بر پیامبر دروغ نمی بندد و از عالمی که دارای فضل و تقوی است اما نمی داند دارای چه علمی است و نمی داند که چه چیز را روایت می کند.

شاگردان امام مالک رضی الله عنه

ابن کثیر می گوید: امام مالک از بسیاری از تابعین حدیث روایت می کند و علمای بزرگ از آن جمله سفیان ثوری و سفیان بن عیینه و شعبه و عبدالله بن مبارک و اوزاعی و ابن مهدی و ابن جریج و لیث و شافعی و یحیی بن سعید القطان و استادانش ابن شهاب زهری و یحیی بن سعید انصاری از امام مالک حدیث روایت می کنند.

امام ذهبی می گویند: از او افراد زیادی حدیث روایت می کنند که شاید قابل شمارش نباشند.

زرقانی می گوید: روایت کنندگان از امام مالک به قدری زیاد است که هیچ یک از ائمه اینقدر راوی که از آنها روایت کنند نداشته اند. و خطیب بغدادی کتابی دربارهٔ راویان او نوشته که تعداد آنها را ۹۹۳ نفر ذکر کرده است.

شاگردان امام هم زیاد می باشند که از آن جمله: عبدالله بن وهب و أشهب بن عبدالعزیز و عبدالله بن عبدالحکم و عبدالرحمن بن قاسم بن خالد و غیر ایشان می باشند.

پیروی امام از سنت پیامبر و مخالفت کردن با بدعه

از امام مالک رضی الله عنه حرص زیادش در پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و زندگی صحابه و مخالفت و کراهیت شدید با بدعت روایت شده است و بیشتر اوقات این شعر را

می خواندند:

و خَيْرُ أُمُورِ الدِّينِ مَا كَانَ سَنَةً وَ شَرُّ الْأُمُورِ الْمَحْدَثَاتُ الْبِدَائِعُ^۱

امام شاطبی در کتاب «الاعتصام» از ابن ماجشون نقل می کنند که امام مالک می گویند: کسی که در اسلام بدعتی بوجود آورد و آن بدعه را نیکو بیندارد (بدعه حسنه) این شخص معتقد شده که پیامبر در ادای رسالت خیانت کرده است در حالیکه خداوند می فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]^۲.

ابن عبدالبر در کتاب «الانتقاء» در باب نظر امام مالک درباره اهل هوی و هوس از امام مالک نقل می کند که گفتند:

هیچ آیه ای در قرآن سخت تر و شدیدتر بر اهل هوی و هوس از این آیه نمی باشد:

﴿يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ﴾ [آل عمران: ۱۰۶]^۳.

خداوند می فرماید:

﴿فَأَمَّا الَّذِينَ أَسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۶]^۴.

۱- و بهترین امور دین آن چیزی است که سنت باشد. و بدترین امور، تازه بوجودآمدهها در دین می باشد.

۲- «امروز کامل کردم بر شما دینتان را و تمام کردم بر شما نعمتم را و راضی شدم برای شما اسلام را به عنوان دین برای شما.»

۳- «روزی که سفید می شود صورت هایی و سیاه می شود صورت هایی.»

۴- «پس کسانی که سیاه شد چهره هایشان آیا کافر شدید بعد از ایمان آوردن؟ پس بچشید عذاب را به خاطر آنچه که کفر می ورزیدید.»

امام مالک گفتند: پس چه سخنی واضح‌تر از این آیه هست و مصداق این آیه را بر اهل هوی و هوس می‌بینم. و این واقعه از امام مالک مشهور شده است که شخصی از او دربارهٔ آیه: ﴿الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى﴾ سوره طه: ۵. سؤال کرد که استواء چگونه می‌باشد. امام پس از مدتی سکوت جواب دادند: استواء معلوم است اما کیفیت و چگونگی آن مجهول و نامعلوم و سؤال کردن دربارهٔ استواء بدعت و ایمان آوردن به آن واجب است.

ابن‌العربی از زبیر بن بگّار نقل می‌کند که شخص از امام مالک سؤال کرد از کجا احرام ببندم؟ گفتند: از ذوالحلیفه جایی که رسول‌الله صلی الله علیه و آله احرام بسته‌اند. آن شخص با اصرار می‌گفت که می‌خواهم از مسجد پیامبر احرام ببندم. امام مالک گفتند: من از «فتنه» بر تو می‌ترسم. آن شخص گفت: آیا اگر چندین میل زیادتر احرام ببندم در آن فتنه‌ای هست؟ امام گفتند: چه فتنه‌ای بدتر از اینکه می‌پنداری می‌خواهی فضیلتی را انجام دهی که رسول‌الله صلی الله علیه و آله آن را انجام نداده است. و خداوند می‌فرماید: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۴].

هیبت و وقار امام مالک

از صفاتی که خداوند به امام مالک بخشیده بودند و در اخبار و روایات نقل شده، هیبت و وقار وی می‌باشد. خلیفه هارون الرشید می‌گوید: در بین علماء هیچ‌کس باهیبت‌تر از مالک و باتقوی‌تر از فضیل بن عیاض ندیده‌ام. سعید بن مریم می‌گوید: باهیبت‌تر از مالک ندیده‌ام تا آنجایی که باهیبت‌تر از حاکم بود. زیاد بن یونس می‌گوید: نه عالمی و نه عابدی و نه دزدی و نه امیری باهیبت‌تر از مالک

۱- پس باید بترسند کسانی که مخالفت می‌کنند از امر پیامبر اینکه برسد به اینها آزمایشی یا برسد به ایشان عذابی دردناک. این آزمایش همان مصیبت‌ها و مشقت‌ها می‌باشد.

ندیده‌ام^۱.

امام شافعی می‌گویند: از هیچ کس همانند مالک، در هنگامی که به او نگاه می‌کردم نترسیده‌ام. می‌گویند: سفیان ثوری در مجلس امام مالک بودند، زمانی که احترام مردم برای امام مالک و احترام امام مالک برای علم را دید این شعر را سرود:

يأبي الجواب فلا يراجع هيبَةً أدب الوقار وعزُّ سلطانِ التقي
والسائلون نواكس الأذقان فهو المهيب وليس ذا سلطان^۲

اقوال علماء در مورد امام مالک

امام شافعی رحمته الله می‌گویند: هنگامی که حدیثی از رسول الله و اصحاب نقل شود پس مالک همانند ستاره‌ای می‌درخشد.

همچنین می‌گویند: مالک حجت و دلیل خداوند بر خلقش بعد از تابعین است. یحیی بن سعید و یحیی بن معین می‌گویند: مالک امیرالمؤمنین در حدیث است. احمد بن حنبل رحمته الله می‌گویند: کسی که از امام مالک بدش می‌آید بدان که او از اهل بدعت می‌باشد.

و اوزاعی درباره امام مالک می‌گویند: عالم علماء و عالم اهل مدینه و مفتی حرمین. ابن کثیر در «البدایه و النهایه» می‌گویند: و صفات نیکوی امام خیلی زیاد است و ثناء ائمه بر او بیشتر از این است که بتوان در اینجا ذکر کرد.

۱- معمولاً دزد در بین مردم رعب و وحشت آورده و هیبت امام مالک از رعب و وحشتی که دزد در بین مردم بوجود می‌آورد نیز بیشتر می‌باشد.

۲- از جواب دادن خودداری می‌کند پس از هیبت او سؤال تکرار نمی‌شود و سؤال‌کنندگان سرهای خود را به زیر انداخته‌اند. ادب وقار و عزت پادشاهی تقوی. پس او دارای هیبت و وقار است و او پادشاه هم نیست.

گهرهایی از سخنان و حکمت‌های امام مالک

* سخن هر کس قابل قبول و رد کردن می‌باشد مگر سخن صاحب این قبر، یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله.

* تواضع، ترک ریا و شهوت‌طلبی است.

* هیچ شخصی صالح و پرهیزگار نمی‌گردد مگر زمانی که از اقوال و افعالی که به درد او نمی‌خورد اجتناب کند در این صورت است که خداوند دریچه قلبش را برایش می‌گشاید.

* حکمت، نوری است که خداوند در قلب بنده اش می‌تاباند.

* سپر عالم در مسائلی که نمی‌داند کلمه «نمی‌دانم» است و هنگامی که از این سپر غافل شود صاحبش از بین می‌رود.

* کسی که در اسلام بدعتی بوجود آورد و آن را نیکو بشمارد پس معتقد شده است که محمد صلی الله علیه و آله در ادای رسالت خیانت کرده است در حالیکه خداوند می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ [المائدة: ۳]^۱

پس چیزی که در زمان رسول الله صلی الله علیه و آله از جمله دین نبوده است امروز هم از دین نیست. و درست نمی‌شود آخر این امت، مگر بوسیله آن چیزی که اول این امت، بوسیله آن درست شده است.^۲

۱- ترجمه آن گذشت.

۲- منظور امام مالک پیروی از قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد که اصحاب رسول الله به خاطر پیروی از قرآن و سنت مورد مدح و ستایش خداوند قرار گرفتند و خود را از پیروی از هوی و هوس نجات دادند و کسانی هم که بعد از صحابه می‌آیند باید این راه را ادامه دهند.

کتاب موّطاً امام مالک و موقعیت علمی آن

این کتاب همان‌طور که یکی از علماء درباره آن گفته بهترین کتاب تألیف شده در دوران خود می‌باشد. امام شافعی می‌گویند: بعد از قرآن کتابی صحیح‌تر از کتاب مالک بر روی زمین وجود ندارد^۱.

همچنین امام شافعی می‌گویند: در میان کتاب‌هایی که تألیف شده، کتابی را بهتر از موّطاً امام مالک ندیده‌ام و در آن احادیث و اقوال صحابه ذکر کرده و احادیثی که در آن ضعیف بوده و قابل قبول نبوده ذکر کرده است.

سبب تألیف موّطاً

ابن عبدالبر از فضل‌بن محمد مدنی نقل می‌کند که: عبدالعزیز بن ابی سلمه ماجشون اولین کسی است که کتابی را در معنای «موّطاً» که در آن مسائلی که اهل مدینه بر آن اتفاق داشتند بدون اینکه دلیل آنها را از قرآن و حدیث رسول‌الله ﷺ ذکر کند، تألیف کرد. امام مالک این کتاب را مورد تحسین قرار داده و گفتند: اگر من این کتاب را تألیف کرده بودم اول احادیث را می‌آورم پس آراء و اقوال فقهاء که بعد آن امام مالک تصمیم بر تألیف کتاب موّطاً گرفتند.

علت نامگذاری

امام مالک می‌گویند: کتاب خود را بر ۷۰ (هفتاد) نفر از فقهای مدینه عرض کردم که همه آنها با احادیث و اقوال صحابه که در آن ذکر کرده بودم موافقت کردند پس کتاب را موّطاً نامیدم اکثر علمای اهل سنت کتاب موّطاً را در درجه اول از

۱- در نزد اهل سنت کتاب صحیح امام بخاری و صحیح امام مسلم صحیح‌ترین کتاب‌ها بعد از قرآن می‌باشد و کتاب امام مالک قبل از این دو کتاب نوشته شده است. بنابراین قول امام شافعی در مورد کتاب امام مالک مربوط به دوران خود می‌باشد و کتاب موّطاً یکی از کتب مراجع اهل سنت در حدیث می‌باشد.

درجات کتاب‌های تألیف شده در حدیث همراه با صحیح امام بخاری و صحیح امام مسلم و غیرهما به حساب می‌آورند و بهترین دلیل بر اهتمام علماء به کتاب موّطأ، شرح زیاد علماء بر آن می‌باشد.

وفات امام مالک رحمته

سیوطی می‌گوید: امام مالک در روز یکشنبه مریض شده و مدت ۲۲ روز مریض بودند تا اینکه در روز یکشنبه دهم ربیع‌الاول سال ۱۷۹ هـ. ق. وفات یافتند. ابن عبدالبر از اسماعیل بن ابی اویس نقل می‌کند که امام مالک مریض شدند و از آنچه که در هنگام مرگ گفته بودند سؤال کردیم، گفتند: شهادتین فرستادند پس گفتند:

﴿لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ﴾ [الروم: ۴].^۱

و در چهاردهم ربیع‌الاول سال ۱۷۹ هـ. ق. در زمان خلافت هارون الرشید وفات یافته و محمد بن ابراهیم بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس بر او نماز گزارد. خداوند امام مالک را مورد رحمت خود قرار دهد و به خاطر زحماتی که برای اسلام و مسلمین کشیده‌اند جزای نیکو دهد.

۱- «برای خداوند است امر از قبل و از بعد».

فقیه بزرگ سنت محمد بن ادریس شافعی رحمته الله علیه

اسم و نسب امام شافعی

او: محمد بن ادریس بن عباس بن عثمان بن شافع بن سائب بن عبید بن عبد یزید بن هشام بن مطلب بن عبد مناف بن قصی قریشی از بنی المطلب و مادرش از قبیله ازد می باشد.

محل تولد و زندگی امام

امام شافعی در سال ۱۵۰ هـ در شهر غزه در فلسطین به دنیا آمد. در کوچکی پدرش را از دست داد. مادرش به خاطر اینکه نسب پسرش را حفظ کند او را در حالیکه دو سال داشت به مکه آورد. در سن ۷ سالگی قرآن را حفظ کرد و در سن ۱۰ (ده) سالگی کتاب موطأ امام مالک را حفظ نمود و در سن ۱۵ سالگی با اجازه استادش مسلم بن خالد زنجی فتوی داد. به شعر و لغت عربی توجه زیادی داشت و برای رفع مشکلات و لغات پیچیده عربی و تشخیص اشعار به امام شافعی مراجعه می شد.

دوران تحصیلی امام

امام نووی رحمته الله علیه در مقدمه «المجموع» از مصعب بن عبدالله زبیری نقل می کند که امام شافعی در ابتدا به شعر و تاریخ عرب و لغت عربی روی آورد پس به فقه روی آورد. علت آن این است که روزی همراه با نویسنده پدرم سوار بر حیوان خود بود که شعری را خواند. نویسنده پدرم شلاقی به او زاده و گفت: آیا انسانی مثل تو باید با خواندن اینگونه اشعار شخصیت خود را پایمال کند؟ به دنبال فقه برو امام شافعی از این سخن متأثر شده و به حلقه درس مسلم بن خالد زنجی که مفتی مکه بود رفته

سپس به مدینه آمد و در جلسات درس امام مالک بن انس شرکت کرد. همچنین امام نووی از حمیدی از خود امام شافعی نقل می‌کنند که با مسلم بن خالد زنجی برخورد کردم. پرسید: ای جوان، از کجا هستی؟ گفتیم: از مکه. گفت: خانهاات کجاست؟ گفتیم: دره‌ای در خیف. گفت: از کدام قبیله‌ای؟ گفتیم: از عبد مناف. گفت: چه نیکوست خداوند تو را در دنیا و در آخرت مشرف کرده است. چه خوب بود فهم و هوش را در راه فقه به کار می‌بردی. پس شافعی از مکه جهت کسب علم از محضر امام مالک رحمته به مدینه آمدند که کتابی هم درباره این مسافرت امام شافعی تألیف شده است. هنگامی که به نزد امام مالک آمدند موطأ را از حفظ برای امام مالک خواندند که امام مالک از حفظ امام شافعی تعجب کردند و به او گفتند: از خداوند بترس و از گناهان دوری کن زیرا تو آینده روشنی خواهی داشت.^۱

حدیث را یاد گرفت در طلب علم به مسافرت پرداخت و از محضر علماء استفاده می‌برد و در مقابل علماء نیز از علم او بهره می‌جستند و با شاگردان امام ابوحنیفه رحمته مانند محمدبن حسن شیبانی به مناقشه و بحث می‌پرداخت که محمدبن حسن شیبانی در بسیاری از مسائل فقهی تابع امام شافعی شدند. ابن کثیر می‌گوید: (حدیث را از گروهی از مشایخ و ائمه فرا گرفت و کتاب موطأ را از حفظ برای امام مالک خواندند که امام مالک از حفظ و اراده امام شافعی تعجب کردند و علم اهل حجاز را از مسلم بن خالد زنجی و امام مالک فرا گرفت و افراد زیادی هم از او روایت کرده‌اند.^۲

فهم و حفظ امام شافعی و اهتمام او به حدیث و سنت رسول الله ﷺ

امام شافعی رحمته نشانه و علامتی در فهم و حفظ می‌باشد که همه به آن اقرار دارند.

۱- مقدمه «المجموع» امام نووی.

۲- البداية والنهاية.

خود امام می‌گویند: در مکتب‌خانه که بودم معلم به شاگردان آیه‌ای را که یاد می‌داد، من آن را حفظ می‌کردم و قبل از اینکه معلم از املاء کردن آیات فارغ شود من آن آیات را حفظ کرده بودم روزی به من گفت: برای من حلال نیست که چیزی از تو بگیرم.

امام نووی می‌گویند: به نشر حدیث و مذهب اهل حدیث اهتمام ورزید و به یاری و کمک سنت و حدیث شتافت تا آوازه او در همه جا پیچید و بنا به درخواست عبدالرحمن بن مهدی امام اهل حدیث در عصر خود، به تألیف اولین کتاب در اصول فقه به اسم «الرساله» همت گمارد که همه آن را پسندیدند و خود عبدالرحمن ابن مهدی و یحیی بن سعید قطان به آن علاقه زیادی نشان می‌دادند.^۱ ابن کثیر می‌گوید: امام شافعی از آگاه‌ترین افراد به معانی قرآن و سنت و استخراج دلایل از قرآن و سنت بود و دارای اخلاص عجیبی بود و امام شافعی می‌گویند: دوست دارم مردم این علم را فرا گیرند و چیزی به من منسوب نشود تا هم اجر این کار به من برسد و هم اینکه مورد تعریف و تمجید مردم واقع نشوم.

از ایشان روایت کرده‌اند که می‌گفتند: هنگامی که در نزد شما حدیثی صحیح باشد و آن را از من نشنیده‌اید پس براساس آن حدیث فتوا بدهید و قول مرا ترک کنید و این قول و عقیده من است در روایتی دیگر: پس، از من تقلید نکنید، و در روایتی دیگر پس، به قول من توجهی نکنید و در روایتی دیگر: پس سخن من را به دیوار بنزد زیرا من با بودن حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم قولی ندارم.

پیروی از حدیث و مخالفت با مذهب اهل کلام

ابن کثیر می‌گویند: امام شافعی می‌گویند: اگر بنده‌ای با هر نوع گناه جز شرک به درگاه خداوند بیاید بهتر از این است که با علم کلام به درگاه خداوند بیاید. همچنین

می‌گویند: اگر مردم می‌دانستند در علم کلام چقدر آراء باطل و نادرست و هوی و هوس وجود دارد همانطور که از شیر درنده فرار می‌کنند از علم کلام هم فرار می‌کردند. و می‌گویند: حکم من درباره اهل کلام این است که شلاق زده شوند و آنها را در میان قبایل بگردانند و اعلان کنند: این جزای کسی است که قرآن و سنت رسول الله ﷺ را ترک کرده و به علم کلام روی آورده است.^۱

بویطی از امام شافعی نقل می‌کنند که می‌گفتند: با اهل حدیث باشید زیرا راه اینها از همه راه‌ها صحیح‌تر است. و شافعی می‌گویند: هنگامی که یکی از اهل حدیث را می‌بینم گویا یکی از اصحاب رسول الله ﷺ را دیده‌ام خداوند ایشان را جزای خیر دهد که اصل و پایه دین را برای ما حفظ کرده و بر ما منت دارند که در این مورد این شعر را سروده است:

كُلُّ الْعُلُومِ سِوَى الْقُرْآنِ مَشْغَلَةٌ الْعِلْمُ مَا كَانَ فِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا
إِلَّا الْحَدِيثَ وَإِلَّا الْفَقْهَ فِي الدِّينِ وَمَا سِوَى ذَاكَ وَسِوَأَسِ الشَّيَاطِينِ^۲

ابن کثیر می‌گویند: ربیع و بسیاری از شاگردان ممتاز امام می‌گویند: امام شافعی در برابر آیات و احادیثی که صفات خداوند را بیان می‌فرمایند راه و روش سلف را انتخاب کرده بودند. یعنی بدون شبیه کردن خداوند به کسی از بندگانش و نه مشخص کردن و چگونگی آن صفت و نه نفی کردن آن صفت از خداوند و نه تعبیر کردن به معانی‌ای که مخالف با اصل آیات و احادیث می‌باشد.^۳

ابن حجر در کتاب توالی التأسيس در باب (ذکر آنچه که از شافعی در پیروی از

۱- البدایة والنهائة.

۲- هر عملی غیر از قرآن بی‌فایده است، مگر حدیث و فقه در دین، علم آن چیزی است که در آن از حدیث گفته شود، و غیر از این وسواس شیطان است.

۳- البدایة والنهائة.

سلف در اعتقادات و احترام گذاشتن به احادیث پیامبر نقل شده است) از امام شافعی نقل می‌کنند که می‌گویند: هر کس که براساس قرآن و سنت سخن بگوید پس او بر حق است و هر کس که از غیر قرآن و سنت سخن می‌گوید پس او هذیان می‌گوید. امام نووی می‌گویند: از آن جمله: به کار بردن سعی و کوشش در یاری کردن حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله و پیروی از آن و جمع‌آوری احادیث متفاوت در مورد یک مسأله خاص و برطرف کردن اختلافات بین این احادیث و یا جمع کردن بین این احادیث با مهارت خاصی، تا آنجایی که وقتی به عراق آمدند او را ناصر الحدیث (یاری‌دهنده حدیث) نام نهادند و علماء و فقهاء خراسان لقب «أصحاب الحدیث» را بر پیروان شافعی نهاده‌اند. با این حال امام شافعی به خاطر اینکه هیچ بشری احاطه کامل بر علوم ندارد جنبه احتیاط را رعایت کرده و همیشه توصیه به عمل کردن به حدیث صحیح و ترک کردن قول وی در زمانی که این قول با حدیث صریح و ثابتی تناقض داشته باشد می‌کند و پیروان امام شافعی در برابر فتاوی که مخالف با حدیث بوده به این وصیت عمل کرده و حدیث را مقدم بر قول امام شافعی کرده‌اند.^۱

پیروی امام شافعی از سنت رسول الله صلی الله علیه و آله

همانطور که قبلاً گفتیم امام شافعی به خاطر پیروی شدید از حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله به ناصر الحدیث لقب داده شد و همچنین به خاطر این بود که امام شافعی هر قول و اجتهادی که مخالف با حدیث بود مردود می‌شمرد و هیچ‌کس را در مقام مقایسه با رسول الله نمی‌دید تا قول او در برابر حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله ارزش داشته باشد و هنگامی که حدیثی صحیح به او می‌رسید که حکم آن حدیث منسوخ نشده باشد^۲

۱- مقدمة المجموع امام نووی.

۲- منسوخ: آیه و یا حدیثی است که به دستور خداوند به خاطر رفاه حال مؤمنین و در زمان رسول الله حکم آن از بین رفته و حکمی جدید جای حکم قبلی را گرفته که به این حکم جدید ناسخ

آن حدیث را لازم‌الاتباع می‌دانست. و این از سخنان و بحث‌های امام آشکار می‌باشد و عبدالملک بن عبدالحمید بن مهران می‌گویند: امام احمد به من گفتند: چرا کتاب‌های شافعی را مطالعه نمی‌کنی؟ هیچ‌کدام از مؤلفین تابع‌تر از شافعی برای حدیث و سنت رسول‌الله نیست. احمد بن حنبل می‌گویند: بهترین کار امام شافعی این بود که وقتی که حدیثی قبلاً نشنیده بود به آن دست می‌یافت فوراً براساس این حدیث فتوی می‌دادند و از رأی خود باز می‌گشتند.

و امام شافعی می‌گویند: هر کدام از ما حدیثی از احادیث رسول‌الله ﷺ بر او مخفی می‌ماند پس هر فتوایی که بدهم و یا قاعده‌ای را بیان کنم که حدیث رسول‌الله با آن مخالف است پس قول، قول رسول‌الله ﷺ است و آن حدیث هم رأی من می‌باشد. ربیع از شافعی نقل می‌کنند که: هنگامی که در کتابم خلاف سنت رسول‌الله ﷺ را یافتید پس از سنت رسول‌الله ﷺ پیروی کنید و سخن من را ترک کنید: و از او این جمله مشهور شده است:

«إِذَا صَحَّ الْحَدِيثُ فَهَوَ مَذْهَبِي»^۱.

ابن حجر این واقعه زیر را که دلالت بر پیروی و التزام شدید شافعی به حدیث و سنت رسول‌الله ﷺ می‌باشد نقل می‌کند که:

مردی از شافعی دربارهٔ مسأله‌ای سؤال کرد که امام جواب او را داد که رسول‌الله ﷺ این چنین می‌فرمایند. آن شخص گفت: آیا این فتوی توهم هست؟ شافعی گفتند: این را بنگر. آیا در لباس علامت و نشانه غیرمسلمانان را می‌بینی؟ آیا مرا در حالی که از کلیسا خارج می‌شدم دیده‌ای؟ می‌گویم: رسول‌الله ﷺ این چنین

می‌گویند: و امکان دارد این حکم جدید از حکم قبلی آسان‌تر باشد مانند نسخ عده زن شوهر مرده از یک سال به چهارماه و ده روز و یا از حکم قبلی سنگین‌تر باشد: مانند نسخ زندانی کردن زانی.

۱- هنگامی که حدیث صحیح باشد پس آن مذهب من است.

می‌فرمایند و می‌گویید: رأی تو چیست؟^۱

أقوال علماء دربارهٔ امام شافعی

ابن کثیر می‌گویند: بسیاری از بزرگان ائمه، امام شافعی را مورد ستایش قرار داده‌اند از آن جمله: عبدالرحمن بن مهدی که از شافعی خواست کتابی در اصول فقه تألیف کند که امام شافعی نیز کتاب «الرساله» را نوشتند و برای امام شافعی در نماز دعا می‌کردند و از آن جمله استادش مالک بن انس و قتیبه بن سعید که می‌گویند: شافعی امام هستند، از آن جمله سفیان بن عینه و یحیی بن سعید قطان که در نماز برای امام شافعی دعا می‌کردند و ابوعبید که می‌گوید: فصیح‌تر و عاقل‌تر و باتقوا تر از شافعی ندیده‌ام.^۲

داود بن علی ظاهری کتابی در فضائل امام شافعی نوشته که در آن می‌گوید: شافعی خصلت‌های نیکویی دارد که غیر او ندارد از آن جمله: شرف نسب، صحت دین و عقیده، سخاوت نفس و آگاهی به صحیح و یا ضعیف یا ناسخ و منسوخ بودن حدیث و حفظ بودن قرآن و حدیث و زندگی خلفاء و کتاب‌های مفید و شاگردان و یاران خوب همانند احمد بن حنبل که در زهد و تقوی و پیروی از حدیث مشهور است.

احمد بن حنبل می‌گویند: فصیح‌تر و بافهم‌تر از شافعی ندیده‌ام.^۳ این‌اند که از فضائل امام و اقوال علماء دربارهٔ او می‌باشد که مناسب با این کتابچهٔ مختصر می‌باشد.

۱- توالی التأسیس.

۲- البداية والنهاية.

۳- توالی التأسیس.

از اقوال و حکمت‌های شافعی

- * کسی که برادر خود را در پنهانی پند دهد یقیناً او را نصیحت و آراسته کرده است و کسی که برادر خود را علناً پند دهد یقیناً او را سرشکسته و خوار کرده است.
- * و به ربیع می‌گوید: ای ربیع، از سخنان بیهوده پرهیز کن زیرا زمانی که یک کلمه از دهانت خارج شد دیگر تو اختیار آن را نداری و او اختیار تو را دارد.
- * اگر تمام سعی و کوشش خود را به کار ببری تا مردم را راضی کنی نخواهی توانست پس عمل و نیت خود را برای خدا خالص کن.
- * وقار و سنگینی در هنگام تفریح از نادانی است.^۱
- * مشکل‌ترین کارها سه چیز است: بخشش هنگام تنگدستی، تقوی و ترس از خداوند در خلوت و تنها بودن، گفتن کلمه حق در نزد کسی که از او امید و ترس داری.^۲

کلماتی درباره علم

- * طلب علم بهتر از نماز سنت است.
- * کسی که خواهان دنیا است پس علم بیاموزد و کسی هم که خواهان آخرت است علم بیاموزد.
- * هیچ چیز بعد از انجام دادن فرائض، بنده را بهتر از علم به خداوند نزدیک نمی‌کند.
- * کسی که علم را بدون دلیل و مدرک طلب می‌کند همانند کسی است که در

۱- منظور امام شافعی این است که هر کاری جای مناسبی دارد پس کسی برای تفریح به صحرای

رود باید احساس شادمانی کرده و خوش باشد.

۲- جمع‌آوری شده از کتاب توالی التاسیس و مقدمه المجموع.

شب به جمع‌آوری هیزم مشغول است. پشته‌ای از هیزم را جمع کرده و در آن ماری هست که او را خواهد گزید و او نمی‌داند.

وفات امام شافعی رحمته

امام شافعی در مصر مریض شدند، و بیماری او بسیار شدید بود تا جائیکه یونس بن الاعلی می‌گوید: کسی را ندیده‌ام که مثل شافعی شده باشد. منی که یکی از شاگردان او می‌باشد به عیادت وی رفته و سوال می‌کند. چگونه شب را به صبح رساندیده اید؟ امام شافعی گفتند: در حالی شب را به صبح رسانده‌ام که ترک کننده دنیا و ترک کننده دوستان و چشنده از جام مرگ و رونده دیدار خداوند -جل ذکره- می‌باشم و سوگند به خداوند نمی‌دانم آیا روحم به سوی بهشت پرواز می‌کند تا به او تبریک بگویم یا به سوی جهنم تا او را عزا گویم. سپس گریه کردند و این شعر را سرودند:

ولما قسى قلبى وضاعت مذاهبى تعاضمنى ذنبى فلما قرته
وما زالت ذا عفو عن الذنب لم تزل جعلت الرجاء منى لعفوك سلما
بعفوك ربى كان عفوك أعظما تجود وتعفو منة وتكرما^۱.

ربیع بن سلیمان می‌گوید: امام شافعی در شب جمعه بعد از نماز عشاء و آخرین روز از ماه رجب سال ۲۰۴ هجری. ق. در سن ۵۴ سالگی وفات یافت، و در روز جمعه دفن کرده شد. خداوند از این امام بزرگوار راضی باد و او را در بهشت همراه با پیامبران و صدیقین و شهداء و صالحین قرار دهد.

۱- و هنگامی که قلبم از گناهان سنگین شد و راه چاره بر من تنگ شد، قرار دارم امیدواری از من برای عفو تو، پله‌ای. گناهانم در نظرم بسیار جلوه می‌کند اما وقتی که گناهانم را مقایسه کردم با عفو تو ای پروردگار، عفو تو بزرگ‌تر است، و همیشه عفو می‌کنی از گناهان و همیشه، بخشش و عفو می‌کنی از روی منت و کرم.

امام اهل سنت احمد بن حنبل رحمته الله

نسب امام احمد

او: احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد بن ادريس شيباني مروزي بغدادی که نسب او عربی و کنیه اش ابو عبدالله می باشد. حافظ بزرگ ابوبکر بیهقی نسب امام احمد را به ابراهيم خليل عليه السلام رسانیده است.

محل تولد و زندگی امام احمد

امام احمد رحمته الله در ربیع الاول سال ۱۶۴ هجری. ق. در بغداد دنیا آمد. درس ۳ سالگی پدرش را از دست داد و مادرش سرپرستی وی را به عهده گرفت. و در هنگامی که نوجوانی بیش نبود در مجالس درس ابویوسف قاضی حضور پیدا می کرد پس در سن ۱۶ سالگی به حدیث روی آورد.

وی برای شنیدن حدیث به مسافرت پرداخت و در این مسافرتها مورد تجلیل و احترام علماء و اساتید خود واقع می شد و توانست بر اثر این مسافرتها احادیث زیادی را جمع آوری کرده و کتاب «المسند» را که نزدیک به چهل هزار حدیث می باشد، تألیف کند.

ابن کثیر می گوید: امام شافعی در سفر دوم خود به بغداد در سال ۱۹۰ ه. ق. به امام احمد که در آن موقع سی سال و اندی داشت و با او در سفر بود می گوید: ای ابوعبدالله، هنگامی که حدیثی در نزد تو صحیح باشد به من هم اطلاع بده، حال این حدیث، حدیثی باشد که اهل حجاز آن را نقل می کنند یا اهل شام یا اهل عراق یا اهل یمن. این سخن امام شافعی دلالت بر احترام شافعی نسبت به امام احمد و امکانت علمی وی دارد که امام شافعی بر اساس صحیح یا ضعیف بودن حدیثی از

نظر امام احمد فتوی بدهند. این احترام و مکانتی است که امام احمد در بین علماء داشته و شهره و آوازه او در آغاز جوانی اش در آفاق اسلامی پیچیده بود^۱.

تقوی و زهد و بی‌آلایش امام احمد

تقوی و زهد امام احمد به حدی بوده که زبانزد عام و خاص بوده است، از قبول کردن قضاوت یمن به شدت خود داری نموده، همچنین از قبول کردن هدایا، وبخاطر اینکه در زندگی، و فقط از حاصل کار و زحمات استفاده می‌نمود، دچار تنگدستی شده بود. پسرش عبدالله می‌گوید: در زمان خلافت واثق در تنگدستی شدیدی بودیم. شخصی می‌خواست چهار هزار درهم به عنوان هدیه به پدرم بدهد که آن را از پدرش به ارث برده و بنا به اظهار آن شخص نه از صدقه بود نه از زکات، با وجود اصرار آن شخص، پدرم از قبول کردن آن هدیه خودداری نمود. پس از چندی در این مورد با پدرم صحبت کردم، گفتند: اگر آن را قبول می‌کردیم همه آن را مصرف کرده بودیم و چیزی از آن باقی نمانده بود. ابو داود می‌گوید: مجالس امام احمد، مجالس آخرت بود که در آن از لذات و خوشی‌های دنیا یادی نمی‌شد و هیچگاه امام احمد را ندیدم که لذات دنیا را ذکر کند^۲.

ابوجعفر محمد بن یعقوب صفار می‌گوید: همراه احمد بن حنبل در سامرا بودیم از او طلب دعا کردیم. گفتند: پروردگارا، تو می‌دانی که ما بیشترین اعمالی که دوست داری انجام می‌دهیم، پس ما را همیشه بر اعمالی که دوست داری قرار بده، سپس سکوت کردند. طلب دعای بیشتری کردیم گفتند: پروردگارا، به راستی ما از تو طلب می‌کنیم به وسیله آن قدرتی که گفتمی برای آسمان‌ها و زمین: «بیائید در زیر امر

۱- البداية والنهاية.

۲- البداية والنهاية.

و حکم من، چه بخواهید و چه نخواهید، گفتند: آمدمیم اطاعت کنندگان^۱ که ما را موفق به انجام دادن اعمالی کنی که در آن رضایت توست. پروردگارا، ما از فقر به تو پناه می‌بریم مگر و از فقیری و محتاجی به تو پناه می‌بریم به تو از خواری و ذلت، مگر از خواری و ذلت برای تو^۲. پروردگارا، زیاد بر ما نعمت مده که سرکشی می‌کنیم و نعمت‌هایت را بر ما کم مکن که نعمت را فراموش می‌کنیم، و ببخش برای ما از رحمت و رزقت آنچه که ما را موفق به طاعت و عبادت تو می‌کند و ما را با فضل و کرمت بی‌نیاز کن.

ابن کثیر رحمته الله پس از اینکه در باره زهد و تقوای امام احمد سخن می‌راند و می‌گوید: و خبرهای وارده از او در مورد زهد و تقوا بسیار زیاد می‌باشد. و امام احمد در زهد کتابی بس پر منفعت تالیف کرده که همانند آن تا کنون نوشته نشده است، همیشه در حد توان خود زندگی می‌کردند.

پیروی امام احمد از سنت رسول الله و احترام به اهل حدیث

عبدالملک میمونی می‌گوید: چشم من کسی را بهتر از احمد بن حنبل ندیده، و به حرمت خداوند و از سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و پیروی از آن ارزش بس بزرگی قائل بود که همانند او، کسی را از بین محدثین ندیده‌ام، و می‌گفتند: کسی که حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله را رد نماید نزدیک است که هلاک شود.

۱- ﴿أَتَيْتَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾ [فصلت: ۱۱].

۲- منظور از دعا این است که خدایا ما از فقیری و محتاجی به تو پناهنده می‌شدیم مگر از فقر و احتیاجی که به تو داریم و از ذلت و خواری در برابر بندگان تو به تو پناهنده می‌شدیم مگر از ذلتی که برای مقام و عظمت تو باشد. این دعا طلب آزادی انسان از قید و بند دنیا و بندگی برای انسان مثل خود، می‌کند. و طلب بندگی خالص برای خداوند و دلیل و خاشع بودن فقط در برابر خداوند می‌کند.

امام احمد می‌گویند: تعجب می‌کنم از افرادی که صحیح بودن حدیث را شناخته با این حال به رأی سفیان ثوری روی می‌آورد، و خداوند می‌فرماید:

﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].^۱ می‌گفتند: کسی که اهل حدیث را احترام و تجلیل نماید در نزد رسول الله ﷺ احترام و منزلت دارد و کسی که اهل حدیث را تحقیر کند در نزد رسول الله ﷺ حقیر می‌باشد، زیرا اهل حدیث^۲، علمای رسول الله ﷺ می‌باشند.

فضل زبیدی می‌گوید: امام احمد در حالیکه، اهل حدیث به نزد او آمده به قلم‌های آنها اشاره کرده و گفت: این قلم‌ها چراغ‌های اسلام هستند. و در باره اصحاب حدیث گفتند: اینها بهترین مردم نباشند پس دیگر چه کسانی بهترین مردم هستند؟^۳

امام احمد و فتنه خلقت قرآن

بیهقی رحمته می‌گویند:

بیان مشقت‌ها و سختی‌هایی که ابو عبد الله احمد بن حنبل در زمان خلافت مأمون و معتصم و الواثق بخاطر قرآن متحمل شده و بیان زندان‌های طویل‌المدت و کتک‌های زیاد و تهدید به قتل و شکنجه‌های بسیار امام احمد و بی‌توجه بودن امام به این مشقت‌ها و صبر کردن و پایداری بر دین خدا و راه مستقیم.

امام احمد از آیات و احادیثی که درباره تحمل سختی در راه دین صحبت می‌کند

۱- معنی آیه: «پس باید بترسند کسانی که مخالفت می‌کنند از امر پیامبر اینکه برسد به ایشان آزمایشی».

۲- منظور از اهل حدیث یا اصحاب حدیث علمای هستند که احادیث را نقل می‌کنند و توانسته‌اند با دقت در نقل احادیث، دین را برای ما حفظ کنند.

۳- احمد بن حنبل از دکتر عبدالغنی الدقر.

آگاهی کامل داشته بدین خاطر با رضایت کامل متحمل شکنجه‌ها شد و در این راه پایداری نشان داد تا خداوند او را از جمله اولیاء راستین خود قرار داد و به سعادت دو جهان دست یافت. خداوند می‌فرماید:

﴿الْم ۱﴾ أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿۲﴾
وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِينَ
﴿۳﴾ [العنكبوت: ۱-۳].^۱

و می‌فرمایند:

﴿وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ﴾ [لقمان: ۱۷].^۲

و امام احمد در کتاب «المسند» از سعد روایت می‌کند که سؤال کردم یا رسول‌الله چه کسانی بیشتر در مشقت و سختی واقع می‌شوند؟ فرمودند: پیامبران سپس کسانی که مثل پیامبر هستند. سپس کسانی که در درجه بعدی قرار می‌گیرند و خداوند بنده‌اش را به اندازه دین و ایمانش مورد آزمایش قرار می‌دهد و همچنان این آزمایش خداوندی ادامه دارد تا اینکه تمام گناهان این شخص از بین برود.^۳

ابن کثیر می‌گوید: خلاصه مشقت و سختی امام احمد از زبان ائمه اهل سنت - در آنچه که گذشت گفتیم که مأمون خلیفه عباسی، گروهی بر فکر و عقل او تسلط یافته و او را از راه حق منحرف کرده و به او گفتند که قرآن از جمله مخلوقات خداوند

۱- آیا حساب می‌کنند مردم اینکه ترک کرده شوند که بگویند ایمان آورده‌ایم در حالیکه ایشان آزمایش نشده‌اند. و یقیناً آزمایش کرده‌ایم کسانی که قبل از ایشان بودند پس تا بداند خداوند کسانی که راست گفته‌اند تا بداند کسانی که دروغ گفته‌اند.

۲- و صبر کن آنچه که به تو از سختی‌ها می‌رسد به راستی که صبر کردن از قوی بودن اراده در امور می‌باشد.

۳- البداية والنهاية - ابن کثیر.

است و خداوند دارای صفات نمی‌باشد. بیهقی می‌گوید: خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس تابع عقیده و مذهب سلف صالح بوده‌اند و زمانی که مأمون به خلافت رسید معتزله دور او جمع شده و او را گمراه کردند.^۱

و رئیس آنها احمد بن ابی داود معتزلی بود و مردم را مجبور به قبول این عقیده کردند که قرآن مخلوق خداوند است. علماء و اهل حدیث را تهدید کردند. از آنها کسانی بودند که بالاجبار و کراهتاً قبول کردند و از آنها کسانی بودند که در ظاهر این عقیده را قبول کرده و بعضی از آنها نیز فرار کردند. اما امام احمد بن حنبل و محمد ابن نوح از قبول این عقیده خودداری کردند. امام احمد به زندان انداخته شد و او را تحت شکنجه و اذیت قرار دادند تا اینکه به یاری خداوند حق از باطل آشکار شد و از جمله کسانی می‌باشند که رسول‌الله ﷺ درباره آنها می‌فرماید: همیشه گروهی از امت من بر راه مستقیم و حق پایدار هستند که از اذیت و شکنجه و مخالفت بیم و هراسی ندارند تا اینکه وعده خداوندی در مورد پیروزی ایشان بیاید و آنها بر این راه مستقیم هستند.^۲

امام احمد نزدیک به ۱۵ (پانزده) سال در زندان در زیر شکنجه و تهدید در ایام خلافت مأمون و معتصم و واثق بود و در زمان خلافت متوکل که از دوستداران سنت و عقیده سلف صالح بود امام از زندان آزاد شدند. در زندان در حالیکه پاهایش در زنجیر بود نماز جماعت برگزار می‌کرد. پس بنگر ای برادر مسلمان، چگونه این امام بزرگوار در قضیه‌ای از قضایای عقیده پایدار کرد و ذره‌ای از عقیده خود عقب‌نشینی نکرد و حق را برای مردم بیان کرد. بدین خاطر به «امام اهل سنت» مشهور شد.

۱- البدایة والنہایة - ابن کثیر.

۲- حدیث از امام بخاری و امام مسلم رحمۃ اللہ علیہما روایت کرده‌اند.

اقوال علماء درباره امام احمد

امام شافعی می‌گویند: از عراق بیرون آمدم و کسی بهتر و داناتر و زاهدتر و باتقواتر از احمد بن حنبل در آن نبود.

قتیبہ بن سعید می‌گویند: با مرگ سفیان ثوری زهد و بی‌آلایشی از بین رفت و با مرگ شافعی سنت‌های رسول‌الله صلی الله علیه و آله از بین رفتند و با مردن احمد بن حنبل بدعت‌ها آشکار خواهند شد. یحیی بن معین می‌گویند: احمد بن حنبل خصلت‌هایی داشتند که در کسی دیگر ندیده‌ام: وی محدّث، حافظ، عالم، باتقوی، زاهد و عاقل بودند.

امام بخاری می‌گویند: هنگامی که احمد بن حنبل شلاق زده می‌شد در بصره بودیم. ابوولید طیالسی می‌گفت: اگر احمد بن حنبل در بنی اسرائیل می‌بود زبانزد آنان می‌شد.

ابوزرعة رازی می‌گویند: در میان یاران خودمان کسی را داناتر از احمد بن حنبل نمی‌شناسم.

یحیی بن معین که از اساتید و هم‌تایان امام احمد می‌باشند می‌گویند: مردم از ما می‌خواهند که مانند احمد بن حنبل باشیم، سوگند به خداوند توانای تحمل شکنجه‌هایی که احمد بن حنبل متحمل آن شده، نداریم و نمی‌توانیم راهی که احمد بن حنبل می‌پیماید آن را بپیماییم.

وفات امام احمد بن حنبل

صالح پس امام احمد می‌گویند:

پدرم در اول ماه ربیع‌الاول سال ۲۴۱ هـ. ق. مریض شدند. در روز چهارشنبه دوم ربیع‌الاول به عیادت پدرم رفته در حالیکه ضعیف شده بود و نفس‌های بلند می‌کشید پرسیدم: ای پدر، ظهر چه خورده‌ای؟ گفتند: آب باقلا، سپس صالح ازدحام جمعیت از بزرگان و عموم مردم برای عیادت امام را بیان می‌کند. ابن‌کثیر می‌گویند: بهترین کار امام احمد در آخر عمرش این بود که به خانواده‌اش اشاره کردند که او را

با وضو کنند و او در اثنای وضو به ذکر خداوند مشغول بودند پس از اكمال وضو، وفات یافته (رضی الله عنه) او دو ساعت بعد از فجر روز جمعه وفات یافتند و مردم در خیابان‌ها جمع شدند. در تشییع جنازه‌اش افراد زیادی جمع شدند که تعداد آنها را فقط خدا می‌داند و امیر وقت محمد بن عبدالله بن طاهر بر او نماز گزارد. بیهقی و غیره نقل می‌کنند که محمد بن عبدالله بن طاهر دستور دادند جمعیت شرکت‌کننده را بشمارند که تعداد آنها یک میلیون و سیصد نفر و یا بیشتر بوده است و خداوند داناتر است^۱.

عبدالوهاب و راق می‌گویند: تاکنون چه قبل از اسلام و چه بعد از اسلام سابقه ندارد که جمعیتی بدین زیادی که در تشییع جنازه احمد بن حنبل جمع شدند، در تشییع جنازه دیگری نیز جمع شده باشند. ابن کثیر از دارقطنی از عبدالله بن احمد نقل می‌کند که پدرم می‌گفت: به اهل بدعت بگویند وعده بین ما و شما جنازه‌های ماست که خواهیم دید چگونه تشییع خواهد شد. خداوند هم این سخن امام احمد را به مرحله عمل رساند که در تشییع جنازه‌اش آن جمعیت عظیم جمع شدند و ناگفته نماند که امام احمد امام اهل سنت در زمان خود بودند^۲.

رحمت و رضوان خداوند بر امام احمد باد و به خاطر زحماتی که برای اسلام و مسلمین کشیده‌اند جزای خیر دهد.

۱- البداية والنهاية.

۲- البداية والنهاية.